

عدم قابلیت استناد بطلان در شرکت‌های تجاری

مهسا رباطی* سعید محسنی** سید محمد مهدی قبولی درافشان***

چکیده

قانون تجارت ایران در حوزه شرکت‌های تجاری در موارد مختلفی اصل شرکت یا عملیات شرکت و اعمال ارکان شرکت را باطل و این بطلان را غیرقابل استناد معرفی می‌نماید. عدم قابلیت استناد بطلان به‌عنوان یکی از مصادیق مهم عدم قابلیت استناد وضعیتی است که در آن عنصر حقوقی نسبت به اشخاص مستقیم خود باطل و بی‌اعتبار بوده ولی در نگاه اشخاص ثالث همچون عنصر حقوقی صحیح، واجد اثر است. با توجه به شباهت زیاد عدم قابلیت استناد بطلان با بطلان نسبی، تفکیک دقیق میان مفاهیم مزبور اهمیت می‌یابد. به‌ویژه این‌که می‌توان با شناسایی دقیق مفهوم مذکور، مصادیق عدم قابلیت استناد بطلان در قانون تجارت را مورد واکاوی قرار داد. این پژوهش در صدد است ضمن مفهوم‌شناسی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

mahsa.robati@stu.um.ac.ir

** دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

s-mohseni@um.ac.ir

*** دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

ghaboli@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

دقیق از اصطلاح عدم قابلیت استناد بطلان، مصادیق مختلف آن را در شرکت‌های تجاری اعم از بطلان خود شرکت یا عملیات شرکت و اقدامات ارکان وابسته به آن، مورد بررسی قرار داده و بدین ترتیب ابهام و اجمال موجود در این خصوص را برطرف نماید.

واژه‌های کلیدی: عدم قابلیت استناد، بطلان نسبی، بطلان شرکت تجاری، بطلان عملیات شرکت.

۱. مقدمه

هریک از عناصر یک نظام حقوقی اعم از اعمال حقوقی، وقایع حقوقی، آرای قضایی، حق و به‌طور کلی وضعیت‌های حقوقی، علاوه بر آثار مستقیم خود می‌توانند فراتر از قلمرو عملکرد مستقیم خود، به صورت غیرمستقیم نیز آثاری برجای می‌گذارند. این آثار غیرمستقیم موجب ورود عناصر حقوقی مزبور به فضای عمومی حقوق می‌گردد (Duclos, 1984: 22) و اشخاص ثالث را ملزم به شناسایی وجود عناصر مذکور و تحمل آثار آن‌ها می‌نماید (Cornu, 1992: 577). این وصف عناصر حقوقی، «قابلیت استناد»^۱ است که به عنوان اصل کلی شناخته می‌شود (Demogue, 1933: 69).

«عدم قابلیت استناد»^۲ وضعیتی خلاف اصل «قابلیت استناد» است که به موجب آن، اثر غیرمستقیم عنصر حقوقی، در برابر اشخاص ثالث متفی می‌گردد و اشخاص ثالث حق می‌یابند که عنصر حقوقی غیرقابل استناد را نادیده انگارند؛ بنابراین عدم قابلیت استناد، محروم کردن عنصر حقوقی از تمام یا بخشی از آثار غیرمستقیم خود در برابر تمام یا برخی از اشخاصی است که نسبت به موارد مذکور بیگانه محسوب شده و تمایل به رد آثار عنصر حقوقی مورد نظر دارند (Nguyen Xuan, 1977: 2).³ البته به‌رغم انتفای اثر غیرمستقیم عنصر حقوقی در برابر اشخاص ثالث، آثار

^۱ Opposabilité

^۲ Inopposabilité

مستقیم این عنصر نسبت به اشخاص مستقیم^۳ حفظ شده و همچنان نسبت به عاملان مستقیم خود واجد اثر است. این ویژگی مهم‌ترین وجه تمایز بطلان با عدم قابلیت استناد است (برای مقایسه تفصیلی، رک. Falaise, 1997). برای مثال عدم قابلیت استناد قرارداد وضعیتی است که در آن قرارداد میان طرفین خود معتبر و دارای اثر است و آنان را متعهد می‌کند اما در برابر تمام یا برخی از اشخاص ثالث بی‌اعتبار بوده، آنان می‌توانند قرارداد را نادیده بگیرند (Delmas Saint-Hilaire, 2000: 416). با بررسی حقوق تجارت ایران، مصادیق متعددی را می‌توان یافت که در آن از «عدم قابلیت استناد» سخن به میان آمده است به عنوان نمونه ماده ۷ قانون ثبت شرکتها، مواد ۱۰۵، ۳۹۶ تا ۳۹۹، ۱۵۰ و ۱۵۳ قانون تجارت، مواد ۴۰، ۱۱۸ و ۲۱۰ ل.ا.ق.ت.، مواد ۴۸ و ۵۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و مواد ۵۷، ۹۹ و ۱۴۶ آیین‌نامه اجرایی قانون اخیر، مصادیقی از عدم قابلیت استناد در حقوق تجارت ایران است.

مصادیق مذکور عمدتاً مصادیقی را تشکیل می‌دهند که در آنها اعتبار یا صحت عناصر حقوقی در برابر اشخاص ثالث ذی‌نفع قابلیت استناد ندارد و در واقع وضعیتی است که در آن عنصر حقوقی نسبت به شخص یا اشخاص مستقیم خود صحیح و دارای اثر اما در برابر اشخاص ثالث، فاقد اثر است. در کنار این دسته از مصادیق عدم قابلیت استناد، مصادیق دیگری نیز دیده می‌شود که در آن بی‌اعتباری یا بطلان عناصر حقوقی در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست. در واقع بی‌اعتباری یا بطلان عناصر حقوقی نیز ممکن است همچون اعتبار یا صحت عناصر مذکور غیرقابل استناد باشد (خدابخشی، ۱۳۸۹: ۱۷). عدم قابلیت استناد بطلان یا بطلان غیرقابل استناد؛ در حقوق شرکت‌های تجاری فرانسه؛ بر مبنای ماده L235-

^۳ Acteurs directs- Sujets directs

^۴ Inopposabilité de nullité - Nullité inopposable

^۵ ماده ۱۶-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه نیز به عدم قابلیت استناد بطلان شرکت‌های مدنی علیه اشخاص ثالث تصریح کرده است.

12 قانون تجارت که پیش از این نیز در ماده ۳۶۹ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶^۱ این کشور آمده بود (Le Cannu, 2001:19)، به عنوان یک اصل^۲ شناخته شده است (Parachkévova, 2013: 2). در حقوق شرکت‌های تجاری ایران نیز می‌توان مصادیق قانونی متعددی را برای عدم قابلیت استناد بطلان شناسایی نمود که در بند شماره ۳ مصادیق آن مستقلاً بررسی خواهد شد. غیرقابل استناد دانستن بطلان از جمله راهکارهایی است که قانون‌گذاران برای حمایت از اشخاص ثالث در برابر ضررهای ناشی از بطلان عناصر حقوقی، در کنار شیوه‌هایی چون جبران خسارات ناشی از بطلان، به کار می‌گیرند (Masamba, 2014: 14). در حقیقت حمایت از اشخاص ثالثی که به ظاهر معتبر شرکت (دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۹: ۳۰۲؛ امیرمحمدی، ۱۳۷۸: ۳۲؛ مسعودی تفرشی، ۱۳۸۷: ۳۶؛ v. Masamba 2014: 14; 69 Gaillard, 1985: 89-90; Merle, 1190: 69) یا عملیات و اقدامات ارکان آن اعتماد کرده‌اند، ضروری است. این ضرورت قانون‌گذار ایران را در حوزه شرکت‌های تجاری، به برقراری وضعیتی هدایت نموده که در سایر مباحث حقوق تجارت و به‌طور کلی سایر حوزه‌های حقوق ایران کمتر دیده می‌شود. بدین ترتیب عدم قابلیت استناد وضعیتی مبهم را در حقوق ایران تشکیل می‌دهد که چه از جهت مفهوم‌شناسی و چه از جهت مصداق‌شناسی، مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است. بررسی جامع عدم قابلیت استناد بطلان می‌تواند وضعیت مذکور را به عنوان راهکاری مناسب برای حمایت از اشخاص ثالث در برابر آثار زیان‌بار بطلان عناصر حقوقی، به قانون‌گذار و رویه قضایی پیشنهاد دهد. طبیعی است در این راستا با توجه به اقتباس قانون تجارت ایران از قانون تجارت قدیم فرانسه که خاستگاه نهاد حقوقی عدم قابلیت استناد است، توجه به این نظام حقوقی نیز برای واکاوی موضوع شایسته و بایسته است.

^۱ Loi n°66-537 du 24 juillet 1966 sur les sociétés commerciales

^۲ Le principe de l'inopposabilité de la nullité en droit des sociétés aux tiers de bonne foi

با توجه به اینکه مفهوم عدم قابلیت استناد بطلان با مفهوم بطلان نسبی شباهت‌هایی داشته و بیشترین موارد خلط عدم قابلیت استناد بطلان با مفهوم اخیر دیده می‌شود، شایسته است ضمن تبیین مفهوم عدم قابلیت استناد بطلان، به مقایسه آن با مفهوم بطلان نسبی نیز پرداخت. به علاوه واکاوی مصادیق مفهوم مذکور در حقوق تجارت و تحلیل آن‌ها جهت روشن شدن وضعیت مذکور در حقوق ایران و توجه هرچه بیشتر به آن‌ها نیز مورد توجه پژوهش حاضر قرار گرفته است.

۲. مفهوم عدم قابلیت استناد بطلان و مقایسه آن با بطلان نسبی

توجه به ابهامات موجود در مفهوم عدم قابلیت استناد بطلان و شباهت زیاد آن با بطلان نسبی، ایجاب می‌کند ضمن تبیین مفهوم عدم قابلیت استناد بطلان، تمایز آن با بطلان نسبی نمایان گردد.

۲.۱. مفهوم عدم قابلیت استناد بطلان

عدم قابلیت استناد به لحاظ موضوعی، قلمرو گسترده‌ای داشته و قابلیت طرح در مورد کلیه عناصر حقوقی اعم از اعمال حقوقی، وقایع حقوقی، حق، رأی و حتی بطلان را دارد. بیشتر مصادیق عدم قابلیت استناد مواردی را تشکیل می‌دهند که در آن عنصر حقوقی نسبت به شخص یا اشخاص مستقیم خود معتبر است اما به دلیل آثار زیان‌بار برای اشخاص ثالث، اعتبارش علیه اشخاص مذکور قابل استناد نیست. با این حال باید گفت که عکس مورد اخیر یعنی فرضی که عنصر حقوقی، فاقد اعتبار و باطل بوده و عدم اعتبار مذکور موجب ضرر به اشخاص ثالث گردد نیز امکان‌پذیر بوده و می‌تواند موجب عدم قابلیت استناد گردد؛ به عبارت دیگر برخلاف فرض نخست، در فرض اخیر اعتبار عنصر حقوقی به نفع اشخاص ثالث و بی‌اعتباری آن برای اشخاص مذکور زیان‌بار است. در این موارد نیز قانون‌گذار به حمایت از اشخاص ثالث برخاسته و همان‌گونه که آنان را در برابر ضرر ناشی از

اعتبار عناصر حقوقی حمایت می‌کند، در مواردی در برابر زیان حاصل از بطلان و بی‌اعتباری عناصر حقوقی نیز اشخاص مذکور را مورد حمایت قرار می‌دهد (Bastian, 1929: 10).

بنابراین در تعریف عدم قابلیت استناد بطلان یا بی‌اعتباری باید گفت که وضعیتی است که در آن عنصر حقوقی نسبت به شخص یا اشخاص مستقیم خود باطل و بی‌اعتبار بوده و هیچ اثری ندارد در حالی که در نگاه اشخاص ثالث همچون عنصر حقوقی صحیح، معتبر و واجد اثر است. علت برقراری چنین وضعیتی بدین جهت است که از سویی بطلان اثری نسبت به همگان دارد و نه تنها اشخاص مستقیم خود بلکه اشخاص ثالث را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد در حالی که از سوی دیگر شدت اثر مذکور در تمام موارد عادلانه به نظر نمی‌رسد و موجب نگرانی اشخاص ثالث می‌گردد. از این رو قانون‌گذار در مواردی آثار بطلان را محدود نموده است (Bastian, 1929: 281).

به این ترتیب باید عدم قابلیت استناد بطلان یا بی‌اعتباری را وضعیتی استثنایی و خلاف قواعد عمومی دانست (Gaillard, 1985: 89-90)؛ زیرا موجب اعتبار هرچند نسبی امری می‌گردد که در اثر بطلان، معدوم و کأن لم یکن شده و مطابق قواعد عمومی حتی اراده اشخاص مستقیم آن نیز نمی‌تواند عنصر حقوقی مزبور را احیا کند بلکه نیازمند آن است که از نو ایجاد گردد. در حقیقت برخلاف عدم قابلیت استناد «اعتبار» عناصر حقوقی که ناشی از عدم رعایت قواعد حامی حقوق اشخاص ثالث و ضمانت اجرای قواعد مذکور است، در عدم قابلیت استناد «بطلان» عنصر حقوقی، عنصر مذکور فاقد شرایط اساسی صحت و اعتبار است که ضمانت اجرای معمول آن بطلان بوده و عدم قابلیت استناد نه برای تقویت این ضمانت اجرا، بلکه برای کاستن از اثر زیان‌بار آن علیه اشخاص ثالث بدان ضمیمه می‌گردد و با ممنوعیت امکان استناد به بطلان در برابر اشخاص ثالث، بدین هدف نائل می‌گردد (Bastian, 1929: 10). بدین ترتیب می‌توان گفت که عدم قابلیت استناد

بطلان، وضعیتی است که در آن عدم قابلیت استناد و بطلان یکدیگر را کامل می‌کنند (6: Nguyen Xuan, 1977).

2.2. مقایسه عدم قابلیت استناد بطلان با بطلان نسبی

شرایط تشکیل عمل حقوقی دارای ضمانت اجراهای متعددی است. در این میان عدم قابلیت استناد بطلان بیش از همه به بطلان نسبی نزدیک است. بطلان نسبی وصف عمل حقوقی‌ای است که به علت اشتباه، اکراه یا حجر عاقد ناقص باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۸۶۹) ولی به‌رغم این نقص، منعقد گردیده و آثار خود را بر جای می‌گذارد و فقط ذینفع امکان درخواست ابطال آن را از دادگاه دارد. این شرایط، عمدتاً شرایطی است که قانون‌گذار به منظور حمایت از منافع خصوصی طرفین یا یکی از دو طرف عمل حقوقی، یا استثنائاً برخی از اشخاص ثالث در نظر گرفته است (شهیدی، ۱۳۸۵: ۷۲؛ محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۴۸) به همین دلیل بر خلاف بطلان مطلق که به تعبیر یکی از نویسندگان (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۲۵)، یکی از مؤلفه‌های آن علاج ناپذیری عارضه‌ای است که موجب تباهی آن شده^۱، سرنوشت بطلان نسبی در اختیار شخصی است که قانون‌گذار در صدد حمایت از اوست. به این ترتیب تا زمانی که آنان تعرضی نسبت به عمل حقوقی ننماید، عمل حقوقی صحیح بوده و تمام آثار خود را بر جای می‌گذارد؛ اما اگر ابطال قرارداد به درخواست ذینفع در مهلت مقرر مطرح و مورد حکم دادگاه قرار گیرد، اصولاً به جز در موارد استثنایی، قرارداد از ابتدا باطل گشته و آثار خود را از دست می‌دهد (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۳۷ و ۲۳۸).

بطلان نسبی با همان مفهومی که در حقوق فرانسه دارد، در حقوق ایران نیز راه

^۱ در خصوص موارد تفاوت بطلان مطلق و نسبی ر.ک. شهیدی، ۱۳۸۵: ۲۴؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۹۷، ۳۰۰ به بعد و ۳۸۳؛

Flour, Aubert et Savaux, 2002: 239 et 242; Carbonnier, 1988: 194; Mazeauds et Chabas, 1985: 296, 297 et 306; Marty et Raynaud, 1988: 221; Colin, Capitant et Julliot De la orandière, 1966: 220-221; Veaux, 1994: 5-6; Malaurie, Aynès et Stoffel –Munck, 2009: 342-349.

یافته است. هرچند که مفهوم مذکور در حقوق داخلی مفهومی جدید و استثنایی محسوب شده و مشمول قواعد عمومی قراردادها قرار نمی‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۰۷ و ۳۰۸)، با این حال مصادیق مسلمی را در حقوق داخلی به خود اختصاص داده که مانع از این است که بتوان همچون برخی حقوق دانان (شهیدی، ۱۳۸۵: ۵۷) به صرف عدم تطابق مفهوم مذکور با قواعد سنتی حقوق ایران، آن را انکار نمود. از مصادیق مفهوم بطلان نسبی در حقوق ایران می‌توان به ماده ۱۳۱ ل.ا.ق.ت. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۰۶؛ برای دیدن نظر مخالف که حکم این ماده را «عدم نفوذ» می‌داند رک. شهیدی، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۷)، ماده ۴۲۴ قانون تجارت (نظر مخالف: طالب احمدی، ۱۳۸۴: ۱۵۷-۱۵۸) و ماده ۱۷۹ قانون دریایی اشاره کرد (برای مصادیق بطلان نسبی رک. قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۱: ۹۵-۱۰۳).

نزدیکی مفهوم بطلان نسبی با عدم قابلیت استناد، موجب خلط مفاهیم مذکور از سوی برخی حقوق دانان (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۰۵؛ عیسی تفرشی، ۱۳۷۸: ۱۸۰؛ ایزانلو و شریعتی‌نسب، ۱۳۹۱: ۴۵-۴۶؛ دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۹: ۳۰۲؛ حیدرپور، ۱۳۸۲: ۱۴۵-۱۴۶) شده است. چنین خلطی که به نظر می‌رسد ناشی از صفت «نسبی» که به طور مطلق در ترکیب «بطلان نسبی» آورده شده (شهیدی، ۱۳۸۵: ۷۲) است به نحوی که حتی برخی اساتید حقوق (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۰۵ و ۳۰۷) ماده ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷^۱ و ماده ۱۰۵ قانون تجارت را مواردی از بطلان نسبی دانسته‌اند در حالی که این موارد مشمول مفهوم عدم قابلیت استناد هستند (در این خصوص رک. قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۳).

در این میان، مفهوم بطلان نسبی با عدم قابلیت استناد «بطلان» بیش از سایر اقسام عدم قابلیت استناد، خلط می‌گردد. برخی (ایزانلو و شریعتی‌نسب، ۱۳۹۱: ۴۵) وضعیت عمل حقوقی که نسبت به طرفین باطل و فاقد اثر اما نسبت به اشخاص

^۱ پس از این لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت با علامت اختصاری (ل.ا.ق.ت.) ذکر خواهد شد.

ثالث دارای اعتبار است را نوعی بطلان نسبی می‌دانند و معتقدند این وضعیت، متفاوت با عدم قابلیت استناد است. به اعتقاد ایشان در عدم قابلیت استناد، «صحت» عمل حقوقی در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست در حالی که در وضعیت مورد بررسی «بطلان» عمل حقوقی است که در برابر اشخاص مذکور قابلیت استناد ندارد. با این استدلال که این وضعیت «جز در میان طرفین عمل حقوقی، در برابر کسی قابل استناد نیست (باطل نسبت به طرفین)». ایشان برای جعل مفهوم مذکور در حقوق ایران، به‌رغم تأکید بر عدم وجود چنین مفهومی از بطلان نسبی در حقوق فرانسه، به ماده ۱۰۰ قانون تجارت و ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. استناد می‌کنند. در مقابل برخی (شهیدی، ۱۳۸۵: ۷۴) بطلان در وضعیت مذکور را بطلان مطلق دانسته که در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست و در واقع یکی از انواع «عدم قابلیت استناد» («عدم قابلیت استناد بطلان یا بی‌اعتباری») است. ایشان از تعبیر «صحیح نسبی» در برابر اشخاص ثالث یاد کرده‌اند. برای جمع‌بندی باید گفت از سویی بطلان عمل حقوقی غیرقابل استناد علیه اشخاص ثالث مساوی با بطلان نسبی نیست و از سوی دیگر وضعیت پیش‌گفته می‌تواند بطلان مطلق یا نسبی باشد که غیرقابل استناد است. به دیگر سخن، صرف‌نظر از اینکه یک عمل حقوقی مشمول بطلان نسبی و یا بطلان مطلق باشد، این بطلان ممکن است بسته به مورد در مقابل اشخاص ثالث قابلیت استناد داشته یا نداشته باشد. با این توضیح بطلان نسبی و عدم قابلیت استناد بطلان در عرض هم نیستند و می‌توانند با هم جمع شوند.

در تفاوت عدم قابلیت استناد بطلان با بطلان نسبی باید گفت که در مفهوم اخیر، اگرچه تنها برخی اشخاص حق ابطال عنصر حقوقی را دارند اما به محض اینکه بطلان اعلام گردید، این بطلان در برابر همگان دارای اثر بوده و قابل استناد است. در حالی که نسبت موجود در عدم قابلیت استناد بطلان، نسبت در آثار بطلان است یعنی بطلان تنها نسبت به برخی از اشخاص واجد اثر است و فقط برخی از اشخاص را ملزم به پذیرش بطلان و آثار آن می‌کند. البته گفتنی است که

منظور از نسبت آثار بطلان، نفی برخی از آثار مذکور و باقی گذاردن برخی دیگر نیست بلکه تمام آثار بطلان نسبت به برخی (شخص یا اشخاص مستقیم) برقرار می‌گردد و نسبت به برخی دیگر (اشخاص ثالث) کاملاً منتفی خواهد بود (Bastian, 1929: 282).

۳. مصادیق عدم قابلیت استناد بطلان در قانون تجارت

مصادیق عدم قابلیت استناد بطلان بیشتر در زمینه قواعد مربوط به شرکت‌ها مشاهده می‌شود. چنانچه شرکت تجاری شرایط لازم جهت تشکیل را نداشته باشد، باطل است. همچنین در صورتی که شرایط لازم برای انجام برخی اقدامات مانند انتخاب مدیر یا انعقاد معاملات به درستی رعایت نگردد نیز اقدامات مذکور باطل شمرده شده است. چون بطلان می‌تواند موجب زیان اشخاص ثالث با حسن نیت گردد، در مواردی عدم قابلیت استناد، آثار بطلان را نسبت به اشخاص مذکور منتفی می‌کند و شرکت و شرکا نمی‌توانند به بطلان مذکور در برابر اشخاص ثالث استناد کنند؛ زیرا عادلانه نیست که شرکا بتوانند با استناد به بطلان شرکت تجاری و یا عملیات آن، عملاً از تقصیری که مرتکب شده‌اند منتفع گردند.

همان‌گونه که بیان شد با توجه به مصادیق قانونی، دو دسته بطلان قابل شناسایی است. در این راستا بطلان شرکت یا در مواردی بطلان قرارداد شرکت و بطلان عملیات یا تصمیماتی که توسط هریک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد، قابل بررسی است.

۳.۱. عدم قابلیت استناد بطلان شرکت

چنانچه قرارداد شرکت شرایط لازم برای تشکیل اعم از شرایط عمومی مانند اراده و اهلیت مؤسسين، معلوم و معین بودن موضوع و مشروع بودن جهت یا شرایط خاص مقرر از سوی قانون‌گذار مانند تعداد شرکا، حداقل میزان سرمایه و... را نداشته باشد، باطل است. از آنجایی که این بطلان می‌تواند موجب زیان اشخاص

ثالث با حسن نیت گردد، ماده 12-235 L. قانون تجارت فرانسه برای تعدیل آثار بطلان، عدم قابلیت استناد بطلان نسبت به اشخاص ثالث را مطرح و مقرر کرده که «نه شرکت و نه شرکا نمی‌توانند از بطلان در برابر اشخاص ثالث با حسن نیت استفاده کنند. با این حال، بطلان ناشی از عدم اهلیت یا فقدان رضایت حتی در برابر اشخاص ثالث توسط شخص محجور و نمایندگان قانونی وی یا توسط شریکی که رضایت وی از روی اشتباه، تدلیس یا اکراه بوده، قابل استناد است». قسمت اخیر این ماده در مقام تبیین قلمرو عدم قابلیت استناد، در فرض تعارض میان حمایت از اشخاص ثالث و حمایت مشروع از شرکا، حمایت از شرکا را مقدم دانسته است (Roblot, 1967: 723-724).

در حقوق ایران نیز عدم قابلیت استناد بطلان شرکت، در شرکت‌های سهامی، با مسئولیت محدود و مختلط سهامی دیده می‌شود؛

۱) ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. پس از برقراری حکم بطلان، در قسمت پایانی ماده عدم قابلیت استناد بطلان را مقرر نموده است. به موجب این ماده، «هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود برحسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام خواهد شد لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.» بطلان مذکور در این ماده که بطلانی غیرقابل استناد دانسته شده را باید بطلان نسبی دانست زیرا دارای مهم‌ترین ویژگی‌های بطلان نسبی از جمله نیاز به مطالبه ذی‌نفع و صدور حکم دادگاه است (قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۱۰۳). به ویژه آنکه قانون‌گذار در مواد ۲۷۱ و ۲۷۲ لایحه مزبور، امکان رفع موجبات بطلان را پیش‌بینی نموده است (حیدرپور، ۱۳۸۲: ۱۳۹). بنابراین در مواردی که شرکت به حکم قانون باطل مطلق باشد، موضوع مشمول ماده ۲۷۰ قرار نمی‌گیرد.

البته گفتنی است برخی (عرفانی، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۰۶) عدم قابلیت استناد بطلان مذکور در ماده ۲۷۰ را در برابر اشخاص ثالث به معنای امکان مطالبه خسارت از مسئولین بطلان و اقامه دعوا علیه آنان دانسته‌اند. با توجه به مفهوم‌شناسی عدم قابلیت استناد، بدیهی است مفهوم اخیر با مسئولیت مدنی دارای تفاوت اساسی است. به ویژه اینکه چنانچه عنصر حقوقی غیرقابل استناد باشد، زیان شخص ثالث منتفی خواهد بود. توضیح اینکه وقتی سخن از عدم قابلیت استناد به میان می‌آید که الزام ثالث به شناسایی یک عنصر حقوقی برای او ضرر ناروا ایجاد کند. در چنین مواردی نهاد عدم قابلیت استناد، ثالث را از شناسایی عنصر حقوقی مزبور معاف می‌کند و بدین‌وسیله اساساً منشأ زیان را از بین می‌برد؛ بنابراین در این مورد جمع میان عدم قابلیت استناد با مسئولیت مدنی ممکن نیست. با این توضیح حکم مذکور در ماده ۲۷۳ که سخن از مسئولیت مدنی ناشی از بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت به میان آورده قابل انتقاد است؛ زیرا به‌موجب ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. ضمانت اجرای بطلان‌های مذکور عدم قابلیت استناد است. البته برخی (کاویانی، ۱۳۹۳: ۱۱۳) برای رفع تعارض، ماده ۲۷۳ را ناظر به جایی می‌دانند که «مسببین بطلان به تعهدات شرکت باطل در قبال اشخاص ثالث عمل نمایند». این توجیه پذیرفتنی نیست زیرا ماده ۲۷۳ به صراحت از مسئولیت ناشی از بطلان سخن گفته و مسئله تعهدات شرکت مطرح نیست. شاید بتوان برای رفع تعارض یادشده ماده ۲۷۰ را ناظر به بطلان نسبی و ماده ۲۷۳ را ناظر به بطلان مطلق دانست. البته لازم است قانون‌گذار با اصلاح مواد مذکور ابهام را مرتفع نماید. تعارض یادشده میان مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ قانون تجارت نیز دیده می‌شود. البته گفتنی است در مواد L.235-12 و L.235-13 قانون تجارت فرانسه نیز از عدم قابلیت استناد در کنار مسئولیت مدنی یاد شده است. لیکن در مقررات مذکور ذی‌نفع عدم قابلیت استناد بطلان اشخاص ثالث هستند در حالی که ایشان ذی‌نفع دعوای مسئولیت مدنی نمی‌باشند.

برخی (حیدرپور، ۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۴۳) با توجه به حکم عدم قابلیت استناد بطلان مذکور، امکان استناد اشخاص ثالث به بطلان را مردود می‌دانند و از سویی با قیاس وضعیت اشخاص ثالث در این ماده با وضعیت اصیل در معاملات فضولی، چنین استدلال می‌کنند که «اگر... شرکت را در حکم «مالک» و مدیران را در حکم «فضول» قرار دهیم، اشخاص ثالث «اصالتاً» طرف معامله قرار گرفته‌اند و مستفاد از ماده ۲۵۲ قانون مدنی، اصل این است که به مفاد عقد پایبند خواهند بود.» از سوی دیگر لازمه حکم عدم قابلیت استناد بطلان در مقابل ثالث را این می‌دانند که ایشان «هیچ‌گاه نتوانند در دعوای مربوط به ابطال معامله به عنوان ذی‌نفع مطرح شوند» با این استدلال که امکان استناد اشخاص ثالث به بطلان، حکم عدم قابلیت استناد بطلان مذکور در ماده را بلاوجه نموده و اینکه اشخاص ثالث، هم بتوانند با استناد به بطلان از تعهدات خود با شرکت سرباز زنند و هم بتوانند با استناد به حکم عدم قابلیت استناد بطلان پایبندی شرکت به اقدامات خود را بخواهند، مستلزم تعارض است.

این ادعا صحیح نیست؛ زیرا عدم قابلیت استناد برای اشخاص ثالث «حق انتخاب» یا «حق انتقاد» ایجاد می‌کند و ایشان می‌توانند عنصر حقوقی (بطلان) را در برابر خود فاقد اثر و بی‌اعتبار بدانند یا آنکه حق خود را ساقط نموده، عنصر حقوقی را همان‌گونه که هست (وضعیت بطلان)، بپذیرند. از این رو در خصوص ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. و عدم قابلیت استناد بطلان نیز باید گفت که ثالث می‌تواند از حق خود مبنی بر عدم قابلیت استناد بگذرد و به بطلان اعمال و اقدامات مذکور استناد کند (رک. اسکینی، ۱۳۹۵: ب: ۶۹). در صورت چشم‌پوشی از عدم قابلیت استناد (پذیرش وضعیت اصلی عنصر حقوقی)، ذی‌نفع، دیگر حق استفاده از عدم قابلیت استناد را ندارد زیرا در این فرض حق انتقاد وی ساقط گردیده و دیگر نمی‌تواند از عدم قابلیت استناد بهره‌مند گردد. برعکس در صورت استفاده قبلی از

عدم قابلیت استناد، امکان چشم‌پوشی از حق انتقاد وجود دارد؛ بنابراین تعارض ادعاشده منتفی است زیرا چنانچه ثالث در دعوی بطلان شرکت نماید، حق انتقاد وی به صورت ضمنی اسقاط می‌شود.

۲) به موجب ماده ۱۰۰ قانون تجارت، «هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد، باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.» به موجب ماده ۹۶، «شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.» و نیز به موجب ماده ۹۷، «در شرکت‌نامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم‌الشرکاءهای غیرنقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.» در واقع قانون‌گذار در مواد ۹۶ و ۹۷ به برخی از شرایط اساسی جهت تشکیل شرکت با مسئولیت محدود اشاره نموده و در ماده ۱۰۰ ضمانت اجرای شرایط مذکور را بطلان شرکت دانسته است. بطلان مذکور، بطلان مطلق است که غیرقابل استناد است (شهیدی، ۱۳۸۵: ۷۴) هرچند برخی حقوق‌دانان (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۰۶؛ دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۹: ۳۰۲؛ صفی‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۲۱) عدم قابلیت استناد بطلان مذکور در برابر اشخاص ثالث را به معنای «بطلان نسبی» پنداشته‌اند. همچنان که پیشتر اشاره شد، عدم قابلیت استناد بطلان با بطلان نسبی تفاوت اساسی داشته و ماده ۱۰۰ قانون تجارت از مصادیق عدم قابلیت استناد بطلان است و نه بطلان نسبی.

آنچه درباره ماده ۱۰۰ به عنوان ضمانت اجرای ماده ۹۶ در شرکت با مسئولیت محدود بیان شد، درباره شرکت تضامنی و شرکت نسبی نیز صادق است. ماده ۱۱۸ قانون تجارت درباره شرکت تضامنی دقیقاً حکمی مشابه حکم ماده ۹۶ در ارتباط با شرکت با مسئولیت محدود دارد: «شرکت تضامنی وقتی تشکیل می‌شود که سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.» ضمانت اجرای مذکور در ماده ۱۰۰ (بطلان شرکت) در خصوص شرکت تضامنی نیز صادق است

(دمرجیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۹: ۳۱۶) و باید گفت که چنانچه شرکت تضامنی به دلیل عدم رعایت ماده ۱۱۸ باطل باشد، بطلان آن علیه اشخاص ثالث قابل استناد نیست. به حکایت ماده ۱۸۵، حکم ماده ۱۱۸ و به تبع مطالب مذکور درباره شرکت نسبی نیز قابل تأیید است.

۳) ماده ۱۷۷ نیز با اتخاذ رویکردی مشابه مقرر می‌دارد: «هر شرکت مختلط سهامی که بر خلاف مواد ۲۸، ۲۹، ۳۹ و ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکا نمی‌توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند».

با توجه به مواد یادشده (ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. در مورد شرکت سهامی، ماده ۱۰۰ قانون تجارت در مورد شرکت با مسئولیت محدود و ماده ۱۷۷ قانون تجارت در مورد شرکت مختلط سهامی) و وجود ملاک واحد میان شرکت‌های مذکور با سایر شرکت‌ها از جهت مورد بررسی، می‌توان از قاعده عمومی اصطیادی تحت عنوان عدم قابلیت استناد بطلان در شرکت‌های تجاری سخن گفت (رک. کاویانی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). با این همه برای رفع هرگونه ابهام شایسته است قانون‌گذار به مسئله مذکور تصریح کند. به‌علاوه همان‌گونه که بیان شد، بطلان‌های مذکور صرف‌نظر از علت بطلان، غیرقابل استناد هستند. لیکن مناسب است قانون‌گذار ایران نیز همچون قانون‌گذار فرانسه بطلان ناشی از فقدان اهلیت و فقدان قصد را علیه اشخاص ثالث قابل استناد بداند. (رک. اسکینی، ۱۳۹۵ الف: ۱۴۴-۱۴۶).

۳.۲. عدم قابلیت استناد بطلان عملیات و اقدامات مربوط به شرکت

اصولاً قانون‌گذار عملیات و تصمیمات شرکت را منوط به رعایت برخی مقررات کرده که گاه عدم رعایت آن موجب بطلان عملیات و تصمیمات مذکور می‌گردد. در نظام حقوقی فرانسه سخنی از عدم قابلیت استناد بطلان عملیات و تصمیمات شرکت وجود ندارد لیکن در قانون تجارت و ل.ا.ق.ت. ایران مصادیقی را می‌توان یافت که قانون‌گذار به‌رغم اعلام بطلان عملیات و تصمیمات شرکت،

بطلان مذکور را در برابر اشخاص ثالث قابل استناد ندانسته است؛

۱) قانون‌گذار در مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ قانون تجارت، اسناد لازم برای ثبت شرکت‌ها و اعلان خلاصه شرکت‌نامه را مقرر نموده است و در ماده ۱۹۸ ضمانت اجرای مفاد دو ماده مزبور را بطلان عملیات شرکت اعلام نموده لیکن بطلان مذکور را در برابر اشخاص ثالث قابل استناد ندانسته است. به موجب ماده ۱۹۸ که اختصاص به شرکتی خاص نداشته و شامل کلیه شرکت‌های تجاری است، «اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شد هیچ‌یک از شرکاء نمی‌توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آن‌ها معامله کرده‌اند عذر قرار دهند.» به این ترتیب، در چنین وضعیتی به‌رغم بطلان عملیات شرکت، در نظر اشخاص ثالث باید آن را معتبر و واجد اثر دانست.

۲) ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. علاوه بر اینکه «بطلان شرکت» را قابل استناد ندانسته، بطلان «عملیات یا تصمیمات ارکان داخلی شرکت» را نیز در برابر اشخاص ثالث غیرقابل استناد می‌داند. این حکم عام در برگیرنده ضمانت اجرای تمام اعمال و اقداماتی است که ارکان شرکت سهامی با تخلف از مقررات قانونی انجام می‌دهند. البته همان‌گونه که پیشتر بیان شد، بطلان مذکور در این ماده را باید بطلان نسبی دانست. از جمله مصادیق حکم عام مزبور را می‌توان در مواد ۱۱۱، ۱۲۶، ۱۳۰ و ۱۳۵ ل.ا.ق.ت. مشاهده کرد.

۳) به موجب ماده ۱۳۰ ل.ا.ق.ت. «معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد...» بنابراین یکی دیگر از مصادیق ماده ۲۷۰، بطلان معاملات شرکت به دلیل عدم رعایت قواعد مقرر از سوی قانون‌گذار است که مطابق حکم کلی مقرر در ماده ۲۷۰ یعنی عدم قابلیت استناد بطلان ناشی از عملیات و تصمیمات ارکان شرکت، بطلان معاملات مذکور نیز در برابر اشخاص ثالث غیرقابل استناد اعلام شده است. توضیح اینکه اشخاص

مذکور در ماده ۱۲۹ از معامله با شرکت ممنوع هستند. حال چنانچه ایشان بدون موافقت هیئت‌مدیره و مجمع عمومی شرکت، اقدام به معامله با شرکت نمایند، وفق ماده ۱۳۱ حکم معامله ایشان بطلان نسبی است؛ زیرا معاملات مذکور که فاقد موافقت هیئت‌مدیره بوده و مجمع عمومی شرکت نیز با آن مخالف است، صحیحاً منعقد می‌گردد، لیکن شرکت می‌تواند از دادگاه حکم ابطال آن را درخواست نماید. البته درخواست ابطال چنین قراردادی منحصرأً حق شرکت است و طرف مقابل حق استناد به آن را ندارد (قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۱: ۹۷). با این‌همه طبق ماده ۱۳۰ ل.ا.ق.ت. بطلان معاملات مورد بررسی تأثیری علیه اشخاص ثالث با حسن‌نیت ندارد؛ زیرا این اشخاص با اعتماد به وضع ظاهر با شرکت معامله نموده و لازمه حفظ امنیت قراردادی و حمایت از این اعتماد مشروع آن است که معامله‌ای که در حقیقت در رابطه با شرکت و مدیر، باطل است نسبت به اشخاص ثالث با حسن‌نیت صحیح و معتبر دانسته شود (مسعودی تفرشی، ۱۳۸۷: ۳۵). از این‌رو قانون‌گذار در ماده ۱۳۰ بطلان معاملات مزبور را علیه اشخاص ثالث با حسن‌نیت قابل استناد ندانسته و شرکت را متعهد به اجرای تعهدات ناشی از آن نموده است.

۴) از دیگر مصادیق ماده ۲۷۰ که شایسته بررسی است مواد ۱۱۱، ۱۲۶، ۱۲۷ و ۱۳۵ در مورد شرایط انتخاب مدیران و اقدامات و تصمیمات ایشان است. به‌موجب ماده ۱۱۱ شرایطی برای انتخاب شدن به عنوان عضو هیئت‌مدیره پیش‌بینی شده است. به‌موجب تبصره این ماده، ضمانت اجرای مقرر مذکور امکان عزل مدیری است که برخلاف شرایط قانونی انتخاب شده است. در واقع بر اساس تبصره مذکور عمل حقوقی انتخاب مدیر فاقد شرایط باطل نسبی است. به همین ترتیب در ماده ۱۲۶ شرایطی برای مدیرعامل مقرر شده است. ضمانت اجرای عدم رعایت این مقرر نیز حسب مستنبط از ماده ۱۲۷، بطلان نسبی عمل انتخاب مدیرعامل است. حسب ظاهر قسمت اخیر ماده ۱۲۶، بطلان نسبی موضوع ماده ۱۲۷ علیه اشخاص ثالث قابل استناد نیست. در صورت پذیرش این برداشت، حکم اخیر درباره بطلان

نسبی موضوع تبصره ماده ۱۱۱ نیز به دلیل وجود ملاک واحد جاری است. لیکن مسئله قابلیت یا عدم قابلیت استناد بطلان نسبی مذکور نیازمند تأمل بیشتر است. در واقع تحلیل ماده ۱۲۶ تابع تفسیر ماده ۱۲۷ است. توضیح اینکه ماده ۱۲۷ به دو شیوه قابل تفسیر است. از سویی ممکن است حکم عزل مدیر فاقد شرایط که از آن به بطلان نسبی یاد شد را ناظر به آینده و فاقد اثر قهقرایی دانست و از سوی دیگر ممکن است حکم مذکور دارای اثر قهقرایی باشد. چنانچه حکم عزل مذکور فاقد اثر قهقرایی باشد، بالطبع مدیر معزول قبل از عزل دارای سمت بوده، در نتیجه اقدامات وی صحیح و معتبر است. در این صورت حمایت از اشخاص ثالث مستلزم استفاده از نهاد عدم قابلیت استناد نیست. لیکن با پذیرش اثر قهقرایی، ناگزیر مدیر معزول از ابتدا فاقد سمت بوده، در نتیجه اقدامات و تصمیمات وی نیز باطل است. در این صورت حمایت از اشخاص ثالث ایجاب می‌کند که با استفاده از نهاد عدم قابلیت استناد، آثار بطلان را محدود نمود. در این راستا قسمت پایانی ماده ۱۲۶ اقدامات و تصمیمات مدیر را در مقابل اشخاص ثالث معتبر دانسته که تعبیر دیگری از عدم قابلیت استناد است.

با توجه به تحلیل پیش‌گفته تفسیر ماده ۱۳۵ ل.ا.ق.ت. نیز روشن می‌گردد. در واقع چنانچه حکم عزل مدیر فاقد اثر قهقرایی باشد تبعاً همان‌گونه که صدر ماده ۱۳۵ مقرر کرده «کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است» لیکن چنانچه اثر بطلان مذکور قهقرایی باشد، اصولاً کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت نیز باطل است ولی برای حمایت از اشخاص ثالث بطلان مذکور قابل استناد نیست. به همین جهت قسمت انتهایی ماده ۱۳۵ مقرر نموده که «نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آن‌ها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست». برخی (خدابخشی، ۱۳۸۹: ۱۹؛ نیز رک. دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۹: ۲۰۳-۲۰۲) به شیوه‌ای دیگر به این نتیجه دست یافته‌اند. به اعتقاد ایشان هرچند بر اساس قواعد عام، شخص

فاقد سمت نمی‌تواند منوب‌عنه را متعهد کند، اما در مواد مذکور بر مبنای تئوری «وکالت ظاهری» اقدامات مدیران فاقد سمت شرکت را متعهد می‌کند. این اثر در رویه قضایی (رأی شعبه ۵۱ دادگاه حقوقی ۲ تهران و آراء شماره ۱۱۸ و ۱۱۹-۱۳۷۰/۲/۱۸ و رأی شماره ۱۳۷۳/۴/۲-۱۷۷ شعبه ششم دیوان عالی کشور) (دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۹: ۲۰۴) نیز تأیید شده است. بدین ترتیب باید گفت مواد ۱۲۶ و ۱۳۵ (بطلان انتخاب مدیران) مصداق حکم کلی ماده ۲۷۰ در خصوص بطلان عملیات و تصمیمات شرکت است؛ بنابراین عدم رعایت قواعد و شرایط مربوط به انتخاب مدیران شرکت‌های سهامی، به‌رغم آنکه موجب بطلان انتخاب مدیران مذکور و به‌تبع تصمیمات و اقدامات آنان می‌گردد، در برابر اشخاص ثالث که معمولاً اشخاص طرف معامله با شرکت هستند، قابل استناد نیست.

۴. نتیجه‌گیری

عدم قابلیت استناد بطلان وضعیتی استثنایی و خلاف قواعد عمومی است که در آن عنصر حقوقی نسبت به شخص یا اشخاص مستقیم خود باطل و بی‌اعتبار بوده و هیچ اثری ندارد در حالی که در نگاه اشخاص ثالث بسان عنصر حقوقی معتبر و واجد اثر است. این مفهوم به‌رغم شباهت، دارای تفاوت بنیادین با مفهوم بطلان نسبی است. بطلان نسبی وضعیت عمل حقوقی است که در عین دارا بودن شرایط اساسی مربوط به وجود عمل حقوقی، برای حمایت از منافع خصوصی معمولاً یکی از طرفین عمل حقوقی برقرار شده است و تا زمانی که ذی‌نفع بطلان نسبی تعرضی نسبت به عمل حقوقی ننماید، آن عمل صحیح بوده و تمام آثار خود را بر جای می‌گذارد؛ اما اگر دادگاه به درخواست ذی‌نفع حکم به ابطال آن بدهد، اصولاً آن عمل از ابتدا باطل گشته و آثار خود را از دست می‌دهد. نسبت موجود در بطلان نسبی، نسبت در ذی‌نفعان بطلان است یعنی تنها برخی اشخاص می‌توانند

بطلان را مطالبه کنند؛ اما در صورت ابطال قرارداد، همگان از آن تأثیر می‌پذیرند. در حالی که نسبت موجود در عدم قابلیت استناد بطلان، نسبت در آثار بطلان است و بطلان تنها برخی از اشخاص را متأثر می‌نماید و همگان ملزم به شناسایی آن نیستند.

مقررات قانونی راجع به عدم قابلیت استناد بطلان را می‌توان در دو دسته مورد مطالعه قرار داد. از سویی در مواردی بطلان خود شرکت غیرقابل استناد است و از سوی دیگر در مواردی قانون‌گذار عدم قابلیت استناد را برای بطلان عملیات شرکت یا اقدامات ارکان شرکت برقرار می‌کند. بطلان شرکت سهامی حسب ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. و بطلان شرکت با مسئولیت محدود مطابق ماده ۱۰۰ قانون تجارت و بطلان شرکت مختلط سهامی حسب ماده ۱۷۷ قانون تجارت علیه اشخاص ثالث غیرقابل استناد است. این حکم با استناد به وحدت ملاک در مورد سایر شرکت‌های تجاری نیز جاری است و می‌توان از آن به عنوان قاعده اصطیادی یاد نمود. البته برای رفع هرگونه ابهام شایسته است قانون‌گذار به قاعده عمومی مزبور تصریح نماید. همچنین مناسب است قانون‌گذار ایران نیز همانند حقوق فرانسه، بطلان ناشی از فقدان اهلیت و فقدان قصد را علیه اشخاص ثالث قابل استناد بداند.

درخصوص بطلان عملیات شرکت یا اقدامات ارکان شرکت نیز مواد مختلف قانونی وجود دارد. در این میان ماده ۱۹۸ قانون تجارت، به عنوان ضمانت اجرای مواد ۱۹۶ و ۱۹۷، ضمن باطل اعلام نمودن عملیات شرکت، بطلان را علیه اشخاص ثالث غیرقابل استناد معرفی می‌کند. همچنین ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. درباره شرکت‌های سهامی تخلف از مقررات قانونی مربوط به عملیات شرکت یا تصمیمات آن را باطل نسی و بطلان مذکور را علیه اشخاص ثالث غیرقابل استناد دانسته است. مواد ۱۲۶، ۱۳۰ و ۱۳۵ را می‌توان به عنوان مصادیقی از قاعده عام ماده ۲۷۰ دانست. در میان مواد یادشده تنها ماده ۱۹۸ ناظر به کلیه شرکت‌ها است و مواد دیگر منحصر به شرکت‌های سهامی است. شایسته است قانون‌گذار با پیش‌بینی قاعده عمومی در

کلیه شرکت‌های تجاری در فرضی که عملیات و اقدامات شرکت و ارکان وابسته به آن باطل نسبی باشد، بطلان را علیه اشخاص ثالث با حسن نیت غیرقابل استناد بدانند. ضرورت غیرقابل استناد دانستن بطلان نسبی این است که در مواردی که حکم قراردادی بطلان نسبی است، بر خلاف بطلان مطلق که قرارداد از اساس باطل است تا قبل از ابطال قرارداد به درخواست ذینفع و توسط دادگاه، قرارداد صحیحاً منعقد شده و آثار خود را برجای می‌گذارد، از این رو حمایت از اشخاص ثالث با حسن نیت که به وضعیت صحت قرارداد پیش از اعلام بطلان اعتماد کرده‌اند، اقتضا می‌کند که بطلان مزبور پس از برقراری (به دنبال درخواست ذینفع و اعلام توسط دادگاه)، در برابر اشخاص ثالث با حسن نیت غیرقابل استناد دانسته شود.

منابع

الف. فارسی

اسکینی، ربیعا (۱۳۹۵ الف)، حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری، ج ۱. تهران: سمت.
 اسکینی، ربیعا (۱۳۹۵ ب)، حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری، ج ۲. تهران: سمت.
 امیرمحمدی، محمدرضا (۱۳۷۸)، «اثر تجاوز مدیران دولتی از حدود اختیارات خود در انعقاد قراردادها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۴، ۲۵-۳۵.

ایزائلو، محسن و شریعتی‌نسب، صادق (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی عدم قابلیت استناد در حقوق ایران و فرانسه»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۹، ش ۲، ۳۵-۶۶.
 جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
 جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۱)، الفارق: دائره المعارف عمومی حقوق، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.

حیدرپور، البرز (۱۳۸۲)، محدودیت‌های مدیران شرکت‌ها در انجام معاملات:

- بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس، تهران: مهزیار.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۸۹)، «تحلیلی دیگر از ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک»،
مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۴. ش ۷۱. ۹-۳۹.
- دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی و قرائی، محسن (۱۳۸۹)، قانون تجارت در نظم
حقوقی کنونی، تهران: دادستان با همکاری کتاب آوا و میثاق عدالت.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، ج ۲ (اصول قراردادها و تعهدات). تهران:
مجد.
- صفی‌نیا، سید نورالدین (۱۳۸۱)، درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران،
تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- طالب احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، «معاملات قابل ابطال در حقوق ایران»، فصلنامه
مدرس علوم انسانی، دوره ۹. ش ۳. ۱۶۲-۱۴۵.
- عرفانی، محمود (۱۳۸۶)، حقوق تجارت، ج ۲. تهران: میزان.
- عیسای تفرشی، محمد (۱۳۷۸)، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۱.
تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عیسای تفرشی، محمد (۱۳۷۹)، «مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ قانون تجارت ۱۳۱۱»،
فصلنامه مدرس، دوره ۴، ش ۱، ۳۹-۶۱.
- قبولی درافشان، سید محمد مهدی و محسنی، سعید (۱۳۹۱)، نظریه عمومی بطلان در
قراردادها (مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و فرانسه)، تهران: جنگل.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳. تهران: شرکت
سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲. تهران: شرکت
سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
- کاویانی، کورش (۱۳۹۳)، حقوق شرکت‌های تجاری، تهران، میزان.
- محسنی، سعید و قبولی درافشان، سید محمد مهدی (۱۳۸۹)، «مفهوم و آثار بطلان

نسبی»، دانش و توسعه. سال ۱۷. ش ۳۳. زمستان. ۲۴۵-۲۷۱.
 مسعودی تفرشی، بابک (۱۳۸۷)، «انتقال ظاهری حق مبنای حمایت از حقوق
 طرف‌های ثالث در رژیم تجاری ایران»، فصلنامه کانون وکلا. ش ۲۰۲ و ۲۰۳،
 ۲۵-۴۸.

ب. لاتین

- Bastian, Daniel (1929), **Essai d'une théorie générale de l'inopposabilité**, Paris, Recueil Sirey.
- Carbonnier, Jean (1988), **Droit civil**, T.4, **Les obligations**, 13^{ème} éd., Paris, Presses universitaires de France.
- Code civil**, Version consolidée au 9 octobre 2016.
- Code de commerce**, Version consolidée au 20 octobre 2016.
- Colin, Ambroise, Capitant, Henri et Julliot de La Morandière, Léon (1966), **Précis de droit civil**, T.2, 3^{ème} éd., Paris, Dalloz.
- Cornu, Gérard (1992), **Vocabulaire juridique**, 3^{ème} éd., Paris, Presses universitaires de France.
- Delmas Saint-Hilaire, Philippe (2000), **Le tiers à l'acte juridique**, Paris: L.G.D.J.
- Demogue, René (1933), **Traité des obligations en général**, T.7, Partie 2, Paris, Rousseau.
- Duclos, José (1984), **L'opposabilité: Essai d'une théorie générale**, Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence.
- Falaise, Muriel (1997), **La sanction de l'acte irrégulier (distinction entre nullité et inopposabilité)**, Petites affiches, N°103, pp.1-18.
- Flour, Jacques, Aubert, Jean-Luc et Savaux, Éric (2002), **Les obligations, l'acte juridique**, 2^{ème} éd., Paris, Armand Colin et Delta.
- Gaillard, Emmanuel (1985), **Le pouvoir en droit privé**, Paris: GEBYAL.
- Le Cannu, Paul (2001), **Le contentieux de la SAS – I: "La nullité des décisions d'associé(s) fondée sur l'article L 222-7 dernier alinéa du code de commerce"**, Dr.21, ER 012.
- Loi n°66-537 du 24 juillet 1966 sur les sociétés commerciales
- Malaurie, Philippe, Stoffel-Munck, Philippe et Aynès, Laurent (2009), **Les obligations**, 4^{ème} éd., Paris: Defrénois-Lextenso éd.
- Marty, Gabriel et Raynaud, Pierre (1988), **Droit civil, Les obligations**, T. 1, 2^{ème} éd., Paris, Sirey.
- Masamba, Roger (2014), "Le regime des nullités issu de l'acte uniforme relatif au droit des sociétés commerciales et du Gie", **Journal des**

Sociétés.

- Mazeaud, Henri, Mazeaud, Léon, Mazeaud, Jean et Chabas, François (1985), **Leçons de droit civil**, T.2, V.1, 7^{ème} éd., Paris, Montchrestien.
- Merle, Phillippe, **Droit commercial, Société commercial**, 2^e éd., Paris, Dalloz, 1990.
- Nguyen Xuan, Chanh (1977), **De l'application de la notion d'inopposabilité en droit commercial**, Sous la direction de Jean Stoufflet, thèse de Doctorat D'ETAT: Droit privé:Clermont Ferrand 1, France, S.l.: s.n.
- Parachkévova, Irina, "La rétroactivité des sanctions en droit des sociétés", **La Semaine Juridique Entreprise et Affaires**, n° 38, 19 Septembre 2013, pp.1-6.
- Roblot, René (1967), **Applications et fonctions de la notion d'inopposabilité en droit commercial**, in **Mélanges offerts à Monsieur le Professeur Pierre Voirin**, Paris, Librairie générale de droit et de jurisprudence, pp.710-736.
- Veaux, Daniel (1994), **Jurisclasseur Civil**, Fascicule 122 et 123, Edition de Jurisclasseur.